

الزامات مسئولیت مدنی حکومت در امور فرهنگی



سجاد رسولی جزی^۱، سید مصطفی میرمحمدی میبدی^{۲*}، اردوان ارژنگ^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2022.1080.1122](https://doi.org/10.22034/qjplk.2022.1080.1122)

چکیده

عدم تبیین ضمانت اجرای کارآمد برای ایفای تعهدات فرهنگی دولت در حوزه‌های سیاست‌گذاری، تقنینی، اجرایی، و قضایی باعث شده تا برخلاف احکام قانونی، مانند اصل ۳ قانون اساسی، کاستی‌هایی شکل بگیرد و بخشی از حقوق فرهنگی افراد تضییع شود. علاوه بر آن، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در همه امور حاکمیتی، صرف نظر از اهمیت و آسیب‌پذیری اقشار گوناگون، با ذکر چند شرط دولت را از مسئولیت مدنی معاف کرده و به این ترتیب خلأ بزرگی در جبران خسارات وارده از محل آسیب‌های ناشی از فعل یا ترک فعل اشخاص حقیقی و حقوقی در تأمین حقوق فرهنگی ایجاد کرده است. اگر چالش‌های حقوقی همچون نحوه اثبات تقصیر در امور فرهنگی با ریشه‌یابی به موقع چاره‌اندیشی نشود، علاوه بر آنکه نظم و امنیت عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث افزایش تضییع حقوق و ایراد خسارات جانی و مادی و معنوی می‌شود. اکنون سؤال اینجاست که شیوه مطالبه جبران این‌گونه زیان‌ها، به‌ویژه از نهادهای حاکمیتی، چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چگونه است؟ در این پژوهش، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، ضمن تشریح برخی اصول حقوق اداری و حکمرانی شایسته، از قبیل مسئولیت‌پذیری و لزوم پاسخگویی، این نتیجه حاصل شد که اهمیت بالا و ویژگی‌های خاص حقوق فرهنگی ایجاب می‌کند خسارات ناشی از آن از سوی نهادهای حاکمیتی نباید بدون جبران باقی بماند. **واژگان کلیدی:** امور فرهنگی، حقوق فرهنگی، دولت، ضمان، مسئولیت مدنی.

استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)

* Email: mirmohamadi@meybod.ac.ir





Requirements for Government Civil Liability in Cultural Matters

Sajjad Rasuli Jazi ¹, Seyed Mostafa Mirmohamadi Meybodi^{2*}, Ardavan Arzhang^{3*}

1- PhD student, private law, Meybod University, Yazd, Iran

2- Assistant Professor, Law Department, Faculty of Theology, Meybod University, Yazd, Iran

3- Associate Professor, Department of Law, Faculty of Theology, Yasouj University, Yasouj, Iran

DOI: [10.22034/qiplk.2022.1080.1122](https://doi.org/10.22034/qiplk.2022.1080.1122)

Abstract

Lack of sanctions for the efficient fulfillment of cultural obligations of the government in policy, legislative, executive and judicial terms has created shortcomings as regards legal provisions such as article 3 of the [Iranian] Constitution. It has also led to the violation of individuals cultural rights. In addition, article 11 of the Civil Liability Act exempts the government from liability in all governance matters, regardless of the importance and vulnerability of the victim. This has created a large gap in compensating damages caused by the actions or omissions of natural and legal persons in respect of cultural rights. If legal challenges such as how to prove fault in cultural affairs are not resolved in a timely manner, beside affecting public order and security, it will further increase the violation of rights and cause human, material and moral damage to individuals. The question that arises is, what is the way to demand such damages, especially from the sovereign institutions such as the Supreme Council of the Cultural Revolution and the Ministry of Culture and Islamic Guidance? In this descriptive-analytical study, while explaining some principles of administrative law and good governance such as responsibility and accountability, it will be argued that due to the high importance and particular features of cultural rights, damages caused by government institutions to such rights should not remain without compensation.

Keywords

Cultural Rights, Civil Liability, Government, Sanction, Cultural Affairs.

* **Email:** mirmohamadi@meybod.ac.ir (Corresponding Author)



مقدمه

امور فرهنگی در نظام حقوقی اسلام جایگاهی بی‌بدیل دارد و حکومت اسلامی، علاوه بر رعایت حقوق مادی شهروندان و تأمین رفاه و معیشت آنان، مکلف به رعایت حقوق فرهنگی آحاد جامعه است (موسوی خمینی، ۱۳۹۷: ۴۹۷) و باید همه‌اهتمام خود را در جهت صیانت از فضای معنوی و ارتقای سلامت فرهنگی جامعه به کار بندد. نظام مسئولیت‌مدنی در حقوق ایران، اگرچه گام‌های بلندی در جهت تحقق جامعه اسلامی متمدن برداشته است، همچنان در تأمین حقوق فرهنگی و معنوی کاستی‌های جدی دارد و به موازات گسترش روابط اجتماعی و پیشرفت فناوری‌های نوین این معضل هرروزه ابعاد جدیدتری به خود می‌گیرد. با تبیین شروط مناسب برای ضمانت اجرای تعهدات و تکالیف دولت در امور فرهنگی، حجم وسیع حوادث و خسارات فرهنگی عصر حاضر پیشگیری و درمان خواهد شد. در واقع، عدم پیش‌بینی راه‌حلی مناسب برای جبران خسارات ناشی از قصور یا تقصیر دولت در مدیریت امور فرهنگی باعث شده خلأ جدی در صیانت از حقوق فرهنگی مردم، که قطعاً یکی از مصادیق مهم حقوق عامه محسوب می‌شود، احساس شود. بنابراین، ضرورت دارد نظام حقوقی کشور در جهت پاسداری از این حق ممتاز ملت و نیز جبران خسارت‌های ناشی از سوء عملکرد دولت در این حوزه گام جدی بردارد. این موارد اقتضا می‌کند به دنبال پاسخی راهگشا برای این پرسش باشیم که دولت در امور فرهنگی چگونه و تحت چه شرایطی مسئولیت‌مدنی پیدا می‌کند؟ طبعاً، در کنار این سؤال اصلی، پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود؛ از جمله آنکه بین زیان‌ها و خسارات فرهنگی با زیان‌های مادی چه تفاوتی وجود دارد؟ پژوهش در این زمینه می‌تواند، علاوه بر تبیین ضمانت اجرای مسئولیت‌مدنی در خصوص تعهدات و تکالیف فرهنگی دولت‌ها، به احیای بخشی از حقوق فرهنگی ملت و تحقق تمدن‌عاری از مفاسد و رذایل اخلاقی کمک کند. جست‌وجوی نویسندگان این نوشتار نشان می‌دهد کتب و مقالاتی با هدف تفسیر حقوق فرهنگی و وظایف نهادهای رسمی در تأمین آن یا مسئولیت‌مدنی دولت به طور عام به رشته تحریر درآمده است. برخی از آن‌ها -مانند حقوق فرهنگی شهروندان، رویکردی اسلامی نوشته محسن داوری (۱۳۸۹)، «حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذ بن جبل با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته محمود جمال‌الدین زنجانی و ولی‌الله حیدرنژاد (۱۳۹۸)، «بررسی اهداف و وظایف نهادهای رسمی فرهنگی در ایران و ارائه راهکار هماهنگ‌سازی این نهادها» نوشته هاشم نیکومرام و مسعود حداد (۱۳۸۶) - اگرچه به تبیین حقوق فرهنگی و وظایف دستگاه‌های حکومتی در تأمین آن پرداخته‌اند، به بحث

ضمانت اجرای تأمین حقوق فرهنگی ورود نکرده‌اند. بعضی دیگر- مانند ماهیت فقهی دولت و ضمان اقدام‌های زیان‌بار آن نوشته سید ضیاء مرتضوی (۱۳۹۶)، مسئولیت‌مدنی دولت نوشته مشتاق زرگوش (۱۳۸۹)- به لحاظ کثرت مواردی که در عمل اتفاق افتاده عموماً به مسئولیت‌مدنی دولت پرداخته‌اند و بدون بررسی شرایط و سازوکار آن در تأمین حقوق فرهنگی درصدد تبیین نواقص قانون مسئولیت‌مدنی برآمده‌اند. دسته دیگر- مانند «مبانی شرعی مسئولیت‌مدنی دولت در امور فرهنگی» نوشته اردوان ارژنگ و سجاد رسولی جزی (۱۳۹۸)، فقط به بحث مبنای مسئولیت‌مدنی دولت در امور فرهنگی پرداخته‌اند و برخی چالش‌های اجرایی آن را معرفی کرده‌اند. ظرافت و حساسیت خاص خسارات امور فرهنگی اقتضا می‌کند شرایط و الزامات ضمان ناشی از تزییع حقوق فرهنگی از سوی سازمان‌های حکومتی به طور تخصصی سنجیده و تبیین شود. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای با الگوی توصیفی- تحلیلی است. ابتدا مفاهیم کلیدی پژوهش تبیین و در ادامه بایسته‌های تحقق مسئولیت‌مدنی دولت در امور فرهنگی بررسی خواهد شد و دست‌آخر مصادیق و معیارهای تشخیص زیان‌های فرهنگی و مسئولیت‌مدنی دولت بر اساس سنخ‌شناسی تقنینی و اجرایی و قضایی ارائه خواهد شد.

۱. مفاهیم

با توجه به جایگاه موضوع‌شناسی در مباحث فقهی و حقوقی، برای تبیین هر چه بهتر موضوع در اولین مرحله ضرورت دارد تعریفی روشن از مفاهیم کلیدی این تحقیق ارائه شود.

۱-۱. مفهوم دولت^۱

در علم حقوق مرسوم‌ترین تعریفی که از «دولت» به عمل آمده در سه مفهوم «کشور» و «حکومت» و «قوه مجریه» متجلی است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۲: ۵۴). بر این مبنا گاهی دولت به معنای کشور به کار رفته و در این معنا دولت جامعۀ سیاسی سازمان‌یافته و نهادبندی‌شده‌ای است که سایر نهادهای سیاسی از آن ناشی شده‌اند و شامل عناصری چون جمعیت و سرزمین و حکومت است. گاهی نیز دولت به معنای «لایه سیاسی قوه مجریه» به کار رفته است؛ شامل رئیس کشور، رئیس هیئت دولت، وزراء، دستگاه‌های اجرایی قوه مجریه (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۲: ۵۵). اما معنای سومی که از دولت بسیار به کار رفته و منظور تحقیق پیش رو از «دولت» نیز همین معنا است جبهه فرمانروایان یک کشور (هیئت حاکم و متصدیان سیاسی) در برابر حکومت‌شوندگان و فرمانبران است. در این تعریف، دولت به معنای طبقه حاکم یا نهادهای فرمانرواست. در این معنا، علاوه بر قشر سیاسی، قوه مجریه شامل مجلس و سایر دستگاه‌های دیوانی، اداری، اجرایی، و قضایی نیز می‌شود (قاضی شریعت‌پناهی،

۱۳۹۲: ۵۷). در واقع، مقصود از دولت در این نوشتار حکومت است؛ شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای فرعی آن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارمندان شاغل در ادارات دولتی وابسته به آن، و همه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور.

۱- ۲. مفهوم امور فرهنگی

از فرهنگ تعاریف متعدد با عبارات مبهم ارائه شده و جمع‌بندی و ارائه یک تعریف مشترک از همه آن‌ها شاید دشوار یا حتی ناممکن باشد؛ به‌ویژه اینکه برخی از آن‌ها صرفاً در لفظ «فرهنگ» اشتراک دارند و به‌کلی متفاوت از یک‌دیگرند. اما از آنجا که این پژوهش در محدوده نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، به نظر می‌رسد تعریفی را که مهم‌ترین متولی فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی ایران- یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی- از این واژه ارائه داده می‌توان مبنا قرار داد. در سند «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، فرهنگ مجموعه‌ای از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب، و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا»، «نمادها» و «مصنوعات» معرفی شده که ادراکات و رفتار و مناسبات جامعه را شکل و جهت می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (نقشه جامع مهندسی کشور، ۱۳۹۳: ۲). در این سند حقوق فرهنگی در سه سطح مورد شناسایی و بررسی و تحلیل قرار گرفته است: ۱. فرهنگ ملی (اسلامی- ایرانی)؛ ۲. فرهنگ عمومی؛ ۳. فرهنگ حرفه‌ای (فرهنگ معلمان، بازاریان، روحانیان، سیاستمداران، پزشکان، قضات) (← نقشه جامع مهندسی کشور، ۱۳۹۳: ۲). حقوق و امور فرهنگی بخش قابل توجهی از حقوق قانونی شهروندان را در سطح ملی و بین‌المللی به خود اختصاص می‌دهد و در قانون اساسی اغلب کشورها دولت در برابر ادعاهای فرهنگی مردم تعهدات و تکالیفی دارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵). در مبحث زیان فرهنگی و مادی، این نوع حقوق به طور مفصل بررسی می‌شوند.

۱- ۳. مفهوم ضرر

زیان و ضرر و خسارت بر یک معنا دلالت دارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۵۰). در تعریف اصطلاحی آن می‌توان گفت نقصانی در اموال اشخاص یا تقویت و تضییع منافع مسلم و قطعی‌الحصول یا خدشه به سلامت و حیثیت و آبروی شخص وارد کردن است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۴۴). در رویه قضایی و حقوق خصوصی ضرر به معنی از بین رفتن مال یا فوت شدن منفعتی که از نقض تعهد حاصل می‌شود آمده است.^۳ مقصود تحقیق حاضر مفهوم عرفی آن است (نراقی، ۱۳۷۵: ۵۷)؛ بدین معنا که برای شناخت وقوع آن باید به قضاوت عرف مراجعه کرد (نیک‌فرجام، ۱۳۹۲: ۱۲۵). بنابراین، طبق عرف ممکن است برخی از صدمات روحی و معنوی نیز قابل ترمیم و جبران تلقی شوند.

۲. شرایط اساسی مسئولیت‌مدنی دولت در امور فرهنگی

ملاحظه قوانین و مقررات مختلف نشان می‌دهد برای تحقق مسئولیت‌مدنی دولت در امور فرهنگی وجود سه شرط لازم است؛ زیان، ارتکاب فعل زیان‌بار، رابطه سببیت. عادلانه نیست که دولت تحت هر شرایطی ضامن خساراتی باشد که در امور فرهنگی بر شهروندان وارد آمده است (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۹، بخش سوم). در ادامه هر یک از شروط بررسی می‌شوند. الف) تحقق خسارت: برای اینکه بتوان دولت را واجد مسئولیت‌مدنی در امور فرهنگی دانست لازم است ابتدا تحقق ضرر از ناحیه دولت در این امور اثبات شود. بنابراین اگر فعل یا ترک فعل دستگاه‌های مختلف دولتی مشخصاً باعث بروز خسارت نشود، در نظر گرفتن مسئولیت‌مدنی برای دستگاه‌های یادشده فاقد مبنای منطقی است. البته باید توجه داشت که چه‌بسا زیان ناشی از عملکرد دولت در حوزه فرهنگ صرفاً مادی نباشد و اتفاقاً فرهنگ عرصه‌ای است که خسارات ناشی از سوء عملکرد دولت در آن بیشتر ماهیت معنوی دارد تا مادی. زیان‌دیدگان نیز عمدتاً به دنبال تأمین خسارات معنوی هستند که بر آنان وارد آمده است. ب) ارتکاب فعل زیان‌بار: در مباحث سنتی نظام مسئولیت‌مدنی یکی از ارکان مسئولیت‌مدنی ارتکاب فعل زیان‌بار است و با همین فعل است که فاعل آن مسئول جبران خسارت خواهد بود. این رکن از مبنای عقلی برخوردار است. زیرا به موجب آن هر فاعلی مأخوذ به فعل خود است. فعل زیان‌باری که سبب تحقق مسئولیت‌مدنی می‌شود ممکن است مثبت (ایجابی) یا منفی (سلبی) باشد؛ یعنی همان‌گونه که ارتکاب عملی می‌تواند زیان‌بار باشد، گاهی انجام ندادن عملی نیز سبب ایراد خسارت می‌شود. بر اساس ماده ۳۲۸ قانون مدنی، فعل زیان‌بار ایجابی می‌تواند به دو صورت مستقیم (مباشرتی) یا غیرمستقیم (تسبیح) صورت گیرد و در حالت عمدی یا غیرعمدی منتهی به خسارت شود. امروزه برخی این تقسیم‌بندی‌ها را در مورد فعل سلبی نیز به کار برده‌اند و با طرح نظریاتی- مثل مسئولیت ناشی از فعل و نگهداری اشیاء، مسئولیت در برابر منفعت، مسئولیت بر مبنای آلوده‌کننده، مسئولیت بر مبنای مداخله دولت، و غیره- تلاش کرده‌اند به متحول شدن حقوق مسئولیت‌مدنی در دهه اخیر کمک کنند (یزدانیان، ۱۳۹۴). وجه پیوند این موضوع با نوشتار حاضر این است که گاهی عملکرد حاکمیتی یا تصدیگری دولت در امور فرهنگی، به‌رغم اینکه دارای منافع عمومی یا بر مبنای مصلحت عمومی است، زیان‌بار نیز هست. چالش این است که چگونه می‌توان به صرف حاکمیتی قلمداد کردن اقدامات زیان‌بار دولت در امور فرهنگی او را از جبران خسارات زیان‌دیدگان معاف کرد؟ یا اینکه اصولاً تفکیک اقدامات و اختیارات دولت به حاکمیتی یا تصدی امری لازم و شایسته است یا نه؟ (ج) رابطه سببیت: منظور اظهار و تبیین رابطه‌ای است که بین فعل و

عامل زیان و خسارت برقرار است؛ به گونه‌ای که اگر عمل آن شخص نبود زیان نیز رخ نمی‌داد. در واقع برای تحقق مسئولیت مدنی فقط وجود خسارت و فعل زیان‌بار فاعل کافی نیست و منطبق عدالت حکم می‌کند هیچ شخصی مسئول زبانی که ناشی از تقصیر یا فعل ضرری او نیست نباشد و باید رابطه سببیت بین فعل فاعل و ایراد خسارت اثبات شود. در برخی موارد، قانون‌گذار برای حمایت از زیان‌دیدگان فرض را بر مقصر بودن شخص قرار داده است که البته این امر مانع اثبات رابطه سببیت نمی‌شود، بلکه اثبات رابطه سببیت است که می‌تواند، هرچند بدون تقصیر، برای اشخاصی مسئولیت ایجاد کند؛ یعنی همین که زیان‌دیده توانست رابطه سببیت بین ضررهای دیده را در اثر اقدام یک نفر ثابت کند، در مسئول بودن آن شخص کافی است و در اغلب فروض ممکن است احراز عنصر تقصیر مشکلی را حل نکند (زرگوش، ۱۳۸۸: ۱۳۹). بنابراین باید بین عوامل اصلی و فرعی ایجاد حادثه تفکیک قائل شد. در مباحث حقوقی، بر اساس قضاوت عرف، تفکیکی گسترده میان سبب و شرط صورت می‌گیرد و مسئولیت متوجه مسبب حادثه می‌شود (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۵). در فقه و حقوق ایران منظور از شرط مجموعه عواملی است که با هم منجر به ایجاد حادثه و خسارت می‌شوند. اما سبب فقط به عواملی گفته می‌شود که از نظر حقوقی و عرفی می‌توان ضرر و احکام حقوقی را به آن‌ها مرتبط کرد. برای تشخیص این تفکیک در مرحله اول آزمون «اگر نبود» را جاری می‌کنند و می‌گویند «اگر این عامل نبود آیا باز هم حادثه رخ می‌داد یا نه؟». اگر حادثه رخ نمی‌داد آن را طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی سبب می‌دانند. البته برخی سعی دارند از میان اسباب ایجاد حادثه سبب مؤثر و اقوی را شناسایی کنند (بابایی، ۱۳۹۴: ۸۵). در بحث ما، افرادی که از افعال و ترک افعال مسئولان رسمی و دولتی مربوط به حوزه فرهنگ دچار خسارت و آسیب معنوی و روحی شده‌اند باید اثبات کنند که در اثر و به علت اقدامات و ترک اقدامات اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) دچار خسارت شده‌اند؛ هرچند به نظر می‌رسد اثبات این رابطه سببیت در امور فرهنگی و معنوی در کشور ایران چندان هم مشکل و طاقت‌فرسا نیست. البته باید گفت جز در موارد استثنایی، همچون غصب و شبه‌غصب که برای مسئولیت مدنی نیازی به احراز رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و زیان ایجادشده وجود ندارد (لطفی، ۱۳۹۳: ۲۶۷)، در دیگر موارد برای مطالبه جبران خسارت باید وجود این رابطه اثبات شود.

۳. چالش‌ها و راهکارهای مسئولیت مدنی حکومت در امور فرهنگی

برای تحقق مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی با موانعی روبه‌رو خواهیم شد که هر یک از آن‌ها مستلزم تحلیل و بررسی جداگانه است. مهم‌ترینشان، چالش‌های تقنینی و اجرایی هستند که در جهت حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، اهمیت حیاتی داشته و توجیهات

حقوقی، اجتماعی و اقتصادی نیز دارد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۵)؛ علاوه بر آن، ادله اسقاط ضمان اقدامات حکومتی شامل قاعده احسان و عدم ضمان امین نیز که در جهت نفی مسئولیت‌مدنی دستگاه‌های حاکمیتی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کار می‌روند، بخشی از چالش‌های گفته شده است. البته پشتوانه عدم مسئولیت دولت در برابر خسارات با قواعد فقهی دیگری، نظیر تحذیر و اضطرار، هم مطرح شده است (علی‌شاهی قلعه‌جوئی، ۱۳۹۶). مفهوم و مصداق ضررهای فرهنگی، حق اعمال حاکمیت و تلازم آن با اقدامات زیان‌بار، نحوه اثبات تقصیر دولت در امور فرهنگی، و مصادیق مسئولیت‌مدنی دولت در امور مربوطه نیز از جمله چالش‌های این پژوهش محسوب می‌شود که در ادامه تحلیل خواهند شد.

۳-۱. زیان فرهنگی و مادی

ضررهای فرهنگی و معنوی محصور و محدود به انواع خاصی نیستند و تشخیصشان امری عقلانی و عرفی است (فیض، ۱۳۸۵: ۱۱۲). مثلاً اصل دقت که یکی از اصول عقلی حقوق اداری بوده (هداوند و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳) و در مواد متعدد قانون مدیریت خدمات کشوری- نظیر مواد ۳۶، تبصره ۲ ماده ۴۲، بند «الف» ماده ۴۶ و ۹۰- به آن تصریح شده، باید به جوانب و آثار جزئی اقدامات حساس توجه شود (معینی، ۱۳۸۰: ۹۵ و انوری، ۱۳۸۱، ۳۲۳۵). به موجب این اصل در بحث ماباید گفت ظرافت‌های خاص امور فرهنگی اقتضا دارد زیان‌ها از هم تفکیک شوند و به پیامد و تبعات فعالیت‌های فرهنگی توجه شود تا بتوان در مواقع لازم از بروز خسارات فرهنگی جلوگیری کرد. در واقع مسئولان و مدیران تأمین‌کننده حقوق فرهنگی^۴ در حوزه‌های باور و گرایش و رفتار- که شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نیروهای انتظامی و پاسداران ارزش‌های اسلامی، صداوسیما و مطبوعات، معاونت فرهنگی ادارات دولتی و غیردولتی، نظیر شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی و مردمی، قانون‌های فرهنگی مساجد و پایگاه‌های بسیج می‌شود (داوری، ۱۳۸۹: ۲۲۸ - ۲۶۰)- باید به جوانب یا پیامدها یا آثار امور فرهنگی خود دقت لازم را داشته باشند. در غیر این صورت ضامن تضییع آن حقوق یا خسارات امور ضد فرهنگی خواهند بود.^۵ همچنین، اگر آموزش‌های لازم و کامل را در زمینه برگزاری مراسم فرهنگی دیده باشند به‌خوبی می‌توانند زیان‌های فرهنگی را از غیر آن تشخیص داده و با هدف پیشگیری از وقوع زیان، اقدامات شایسته‌ای را به عمل آورند. بنابراین، بحث اصلی تفاوت بین ضررهای مادی با زیان‌های فرهنگی و دقت

لازم برای تشخیص، اهمیت‌گذاری، و اولویت‌بندی امور است. استیفای حقوق فرهنگی زیانی است که مشابه ضرر عدم نفع احتمال تحقق و نبود آن برابر است (فهیمی، ۱۳۹۶).^۶

ضررهای مادی اغلب در همین دنیا قابل جبران‌اند. اما بسیاری از زیان‌های فرهنگی در این دنیا قابل جبران نیستند و معمولاً جبران هم نمی‌شوند. مثلاً شکستن حرمت ذوی‌الحقوق و مؤمنان در ملاء عام، اگرچه ممکن است با یک یا چند عذرخواهی همراه باشد، زیان‌های معنوی حاصله در اثر آن به راحتی قابل جبران نیست. تفاوت دیگر گذر زمانی است که باعث فراموش شدن حادثه و ضرر وارده می‌شود؛ یعنی معمولاً زیان‌های مادی پس از گذشت زمان به فراموشی سپرده می‌شوند و باعث رنجش خاطر نمی‌شوند، اما زیان‌های معنوی می‌توانند حتی تا آخر عمر در ذهن متضرر و عموم افراد حاضر در هنگام ایجاد حادثه باقی بمانند و روحیات زیان‌دیدگان را از حالت تعادل خارج کنند. دیگر تفاوت آنکه تا موقع جبران خسارت در اثر زیان‌های مادی برای زیان‌دیده ضررهای جدیدتر ایجاد نمی‌شود، اما زیان‌های فرهنگی اگر سریع جبران نشوند می‌توانند مسبب ایراد خسارت‌های جبران‌ناپذیر دیگری شوند. مثلاً اگر در فضای مجازی علیه یک قشر اثرگذار جامعه (روحانیان، دبیران، استادان) در مدت زمان طولانی تبلیغات سوء و ضد فرهنگی یا توهین به محترمان ترویج و نشر یابد، قبح گناه از بین می‌رود یا موقعیت اجتماعی ایشان نزد دیدگاه عمومی جامعه دچار تزلزل می‌شود و پیامدها و آسیب‌هایی در آینده ایجاد می‌کند که به راحتی قابل اصلاح نیست. تفاوت دیگر آنکه در ضررهای فرهنگی، علاوه بر از بین رفتن حقوق فرهنگی و معنوی فرد خسارت‌دیده، غالباً افراد نزدیک و مرتبط با زیان‌دیده نیز دچار خسارت می‌شوند، درحالی‌که زیان‌های مادی این‌گونه نیست.

۳-۲. ادله اسقاط ضمان دولت

موارد اسقاط ضمان شامل قواعد و فروضاتی است که در برخی مصادیق از دولت رفع و دفع ضمان می‌کند یا در جواب ادله اثبات ضمان، که در کتب فقهی آورده شده است (بجنوردی، ۱۳۷۱: ۱۷۶)، استدلال می‌شود.

۳-۲-۱. اعمال حاکمیت و تلازم آن با اقدامات زیان‌بار

چنان که اصل ارائه خدمات عمومی^۷ به مثابه مبنای حقوق اداری و حکمرانی شایسته^۸ فلسفه وجودی حکومت دانسته شده و امتیازات قانونی خاصی برای ارائه‌دهندگان این‌گونه خدمات ذکر شده است^۹ لازم است تأمین حقوق فرهنگی، که مهم‌ترین خدمات عمومی تلقی می‌شود (واثق و همکاران، ۱۳۹۳)، متناسب با میزان تأثیرگذاری و آسیب‌پذیری اقشار گوناگون، مورد توجه و اولویت اول حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تقنینی، اجرایی، قضایی، و نظارتی حکومت قرار گیرد و از تضییع آن جلوگیری شود. ماده ۱۱ قانون مسئولیت‌مدنی

مصوب ۱۳۳۹ در این زمینه مقرر داشته است در صورتی که اعمال حاکمیت دولت بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی موجب ضرر شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت وارده نخواهد بود. بنابراین ماده مذکور- صرف‌نظر از نوع، اهمیت، میزان، و تأثیر ضرر وارده- دولت را از ضمان اقدامات زیان‌بار خود معاف کرده است؛ یعنی هرچند تصویب یک قانون یا اجرای آیین‌نامه دادرسی و اقدامات و تصمیمات فرهنگی می‌تواند منجر به ایراد خسارت شود (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۱۱۱)، ثبوت ضمان در برابر زیان ظنی با تقدم مصالح عمومی به منزله یک اصل حاکم منافات دارد. استنتاج عدم مسئولیت مطلق دولت در ماده ۱۱ قانون مسئولیت‌مدنی هم بر پایه تقدم منافع عمومی است. گفتنی است استدلال فوق (تقدم مصالح و منافع عمومی بر ثبوت ضمان و مسئولیت) با اشکال مواجه است. زیرا اگر این اصل، عدم مسئولیت مطلق در اعمال حاکمیت را نتیجه بدهد، دولت در برابر بخش قابل توجهی از فعل‌ها و ترک فعل‌های زیان‌بار خود بدان استناد می‌کند و از بار به عهده گرفتن ضمان به‌راحتی شانه خالی می‌کند و در پی آن حجم وسیعی از خسارات بدون جبران باقی می‌ماند؛ امری که با مبانی شرعی و عقلی نفی ضرر سازگار نیست (ارژنگ و همکاران، ۱۳۹۸: ۹). بدین ترتیب، بخش زیادی از اقدامات دولت از گستره اعمال حاکمیتی خارج می‌شود یا با صرف تمسک به آن نمی‌توان قائل به دفع و رفع ضمان شد (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). البته در دولت‌های مردم‌سالار تفاوتی میان امور حاکمیتی و اعمال تصدی وجود ندارد؛ یعنی مسئولان حکومتی با وجود اینکه در انجام وظایف ذاتی خود آزادی و مصونیت‌هایی دارند حق ندارند از آن‌ها سوءاستفاده کرده و در اثر آن اقدام به ایراد خسارت‌های معنوی و فرهنگی کنند (زرگوش، ۱۳۸۹: ۱۵۱). مقایسه بحث ما با ضمان ناشی از خطای قاضی که مصونیت داشته و وظایفش از مصادیق آشکار اعمال حاکمیتی است (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۱۷)، بیانگر این نکته می‌باشد که باید در میان موارد اعمال حاکمیتی تفکیک قائل شده و حکم هر مورد را با در نظر گرفتن میزان اهمیت و اثرگذاری، نحوه خسارت وارده، خطا، تقصیر، اهمال، قابلیت کنترل یا کنترل‌ناپذیر بودن، اضطراری بودن یا نبودن اقدام مشخص کرد.

۳- ۲- ۲. قاعده عدم ضمان امین

همان‌طور که اصل «امانت و انصاف» به منزله یکی از اصول مهم حقوق اداری معروف شده،^{۱۰} در اصول ۶۷ و ۱۲۱ قانون اساسی نیز به متن سوگندنامه مسئولان تصریح شده و قانون مدیریت خدمات کشوری مسئولان اداری و کارکنان دستگاه‌های حاکمیتی را موظف کرده با رعایت انصاف و ملزومات آن- یعنی وجدان کاری و اخلاقی، رعایت برابری و بی‌طرفی، انصاف، امانت‌داری- به انجام دادن تکالیف خود بپردازند (هداوند، ۱۳۹۲: ۸۸). مفاد قاعده عدم ضمان امین نیز ضامن ندانستن امین در خساراتی است که بدون تقصیر وی به مال امانی وارد

شده است. این قاعده شامل انواع اموال امانی و امانت شرعیه است؛ مثل مسئولیت و کارگزاری در حکومت اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۶۷). در خصوص ارتباط آن با بحث نوشتار حاضر باید گفت مسئولان و کارکنان دولت امین مردم به شمار می‌روند تا در جهت مصالح حکومت و تأمین حقوق افراد وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند. آنچه ضمان را نفی می‌کند امین بودن شخص، عدم کوتاهی، مأذون از سوی مالک یا شارع برای تصرف در اموال و حقوق بیت‌المال است (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۳۶۹). مسئولان مربوطه باید تأمین حقوق فرهنگی را منصفانه سرلوحه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود قرار دهند و در اجرای عادلانه همه مراسم و امور فرهنگی خود ارزش‌ها و هنجارهای عرفی و آبرو و حریم خصوصی اشخاص و اقشار را محترم شمارند؛ در غیر این صورت مرتکب تقصیر شده‌اند و ضامن خسارات معنوی وارده خواهند بود.^{۱۱} زیرا اگر به صرف استناد به قاعده بتوان نفی ضمان ناشی از خسارت‌های فرهنگی و معنوی را اثبات کرد، نقض غرض خواهد شد و هدف شارع از تشریح قاعده با تضييع حقوق جمع زيادی از زیان‌دیدگان در تعارض است. به بیان دیگر، متولی امور فرهنگی امین انجام دادن اموری است که به تعالی اخلاق و فرهنگ عمومی و در نهایت تأمین حقوق فرهنگی شهروندان منجر می‌شود که در غیر این صورت مرتکب کوتاهی شده و وصف امین بودن را از دست داده است و باید وی را مکلف به پاسخگویی و جبران خسارت‌های فرهنگی ناشی از اقدامات زیان‌بار خود دانست. بنابراین، امکان نفی انواع ضمان از طریق استناد به صرف خود قاعده با تردید مواجه است و باید قائل به تفکیک شد.

۳-۲-۳. قاعده احسان

مستند اصلی این قاعده که در شمار قواعد مسقط ضمان به آن استناد می‌شود آیه شریفه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (۹: ۹۱) است. مفاد قاعده این است که نیکوکاران مسئول شمرده نمی‌شوند. عمومیت آیه شامل نفی مسئولیت کیفری و مدنی می‌شود (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۳۶۲). وجه ارتباط این قاعده با موضوع پژوهش این است که اقدامات حکومت اسلامی در امور فرهنگی صرفاً احسان به شهروندان است. کار دولت تأمین حقوق آنان و جلوگیری از تضييع است. بنابراین دولت ضامن ضررهای احتمالی نیست. ثبوت ضمان با احسانی بودن فعل به صورت مطلق ناسازگار نیست؛ همانند موردی که یابنده مالی را از سوی مالک صدقه می‌دهد، اما در قبال مالک ضامن مال است. اگرچه فرد یابنده محسن است، ضامن مال هم هست. ضمان پزشک و مسئولیت مربی نیز همین‌گونه است (مرتضوی، ۱۳۹۶: ۳۶۵). اگرچه دولت در مفهوم عام خود برای تأمین منافع عمومی خدماتی را ارائه می‌دهد، ارائه خدمات دولتی عموماً با دریافت هزینه است. در موردی هم که مسئولی به قصد تبرع عمل کند عمومیت ندارد. اگر

همه را محسن بدانیم، بی‌جهت دایرهٔ تخصیص ادلهٔ ضمان خسارت‌زننده وسیع و گسترده خواهد شد. بنابراین چاره‌ای جز پذیرش امکان جمع میان صدق احسان و ثبوت ضمان نیست.

۳- ۲- ۴. اصل مسئولیت‌پذیری

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قالب تکالیف دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی، به عنوان یکی از اصول حقوق اداری و حکمرانی شایسته، ذیل مادهٔ ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری و بسیاری از متون شرعی، به‌خوبی تشریح شده است (میدری و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۹۸).^{۱۲} یکی از مسائلی که باعث سردرگمی و نقض مستقیم حقوق شهروندان و کاهش کارآمدی ادارات و دستگاه‌های دولتی شده است عدم راهنمایی و آگاه‌سازی و ارائهٔ اطلاعات به مراجعه‌کنندگان است. این اصل در مادهٔ ۲۵ قانون آیین اداری آلمان و مادهٔ ۷ این قانون در دانمارک تصریح شده است (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹: ۳۱۸). در کشور ایران به موجب قانون مدیریت خدمات کشوری در دو بعد ایجابی و سلبی ظهور یافته است. در مادهٔ ۹۰ این قانون کارمندان را از بی‌اعتنایی به حضور مراجعان و عدم پاسخگویی به آنان منع کرده و در مواد ۲۶ و ۲۷ و ۳۷ به صورت یک تکلیف ایجابی دستگاه‌های حاکمیتی را مکلف کرده شهروندان را از ارائهٔ خدمات خود آگاه کنند. در بحث ما مسئولیت‌پذیری در ارائهٔ اطلاعات و آموزش‌های لازم به شهروندان از مصادیق حقوق فرهنگی محسوب می‌شود. از سوی دیگر کارآمدترین ابزار تأمین‌کنندهٔ حقوق فرهنگی شهروندان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی است (هداوند و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). این اصل، که با قواعد دیگری- همچون داشتن عملکرد شفاف و مشارکت عمومی و نظارت همگانی- کامل می‌شود (Fuents, 2008)، از حیث حقوقی دارای اهمیت فراوان است. مواد ۱۶، ۱۸، ۲۷، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۱۱۴ آن قانون‌گویای آن است. مسئولیت‌پذیری در برابر شهروندان و پاسخگویی در برابر دستگاه مربوطه و نهادهای نظارتی دو مورد پیش‌بینی‌شده در مادهٔ ۹۰ قانون یادشده و اصل ۵۵ قانون اساسی است (فاضلی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). با وجود اینکه تأمین حقوق فرهنگی جامعهٔ توحیدی در متون و فرمان‌های شرعی به مثابهٔ تکالیف سنگین حکومت اسلامی دیده می‌شود (زنجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰)، بررسی‌های میدانی بیانگر آن است که در برخی مواقع اغلب دستگاه‌ها و اشخاص مسئول نه تنها حقوق فرهنگی را تأمین نکرده‌اند، بلکه به قدر کافی و به‌موقع وظایف را انجام نداده‌اند و این دسته از حقوق مهم را مباحثاً یا به نحو تسبیح تزیین کرده‌اند.^{۱۳} این موارد می‌تواند موجب طرح دعوای مسئولیت‌مدنی علیه آنان شود که در ادامه سازوکار نحوهٔ اثبات تقصیر مسئولان و مصادیق مسئولیت‌مدنی آن‌ها بررسی خواهد شد.

۳-۳. نحوه اثبات تقصیر دولت در امور فرهنگی

این مبحث به مبنای پذیرفته شده در نظام مسئولیت مدنی برمی گردد؛ یعنی اگر تئوری تقصیر مبنای مسئولیت مدنی باشد، اثبات تقصیر با دشواری های این نظریه و مشکلات خاص اثباتی در امور فرهنگی به زیان دیده تحمیل خواهد شد و تا زیان دیده تقصیر دولت یا مسئول فرهنگی را اثبات نکند ضمانتی ایجاد نخواهد شد و خسارت سنگینی را باید تحمل کند. اما این نظریه دارای اشکال است و در بحث ما نمی تواند مبنا باشد (← ارژنگ و همکاران، ۱۳۹۸). دشواری های خاص زیان فرهنگی می طلبد که قانون گذار از خسارت دیدگان حمایت کند و در اغلب فروض بر مبنای فرض تقصیر یا با ملاک قرار دادن مبانی- همچون تضمین حق و عدالت در امور فرهنگی- یا همچون ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی بار اثبات عدم تقصیر یا ارائه هشدارهای قبل از حادثه را لااقل در برخی فروض به دستگاه های حکومتی تحمیل کند. در این صورت برنامه های فرهنگی منظم و کارآمدتری برای اصلاح افراد آسیب دیده تنظیم می شود و هر چه سریع تر در جهت تأمین و تضمین حقوق فرهنگی سایر اشخاص اقدامات شایسته ای انجام گرفته و متولیان و مسئولان متخلف یا مجرم مکلف به جبران همه خسارات وارده در اثر سهل انگاری و ترک فعل ها خواهند شد. بنابراین بسیاری از قانون گذاران با عنایت به تجربه موارد مختلف به این واقعیت اهتمام دارند که مسئولیت مبتنی بر تقصیر به صورت اصل و قاعده پذیرفته شود (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۰) و نظریه خطر در مواردی که عدالت و انصاف انسان اقتضا دارد به صورت فرعی و استثنایی اجرا شود. در بحث ما نیز قانون گذار به اهداف حمایتی خود می رسد.

۳-۳-۱. مسئولیت مدنی ناشی از قانون گذاری

اصل قانونی بودن و مقرره گذاری در اصول متعدد قانون اساسی تصریح شده^{۱۴} و بدنه اصلی حقوق اداری را تشکیل می دهد (Harlow, 2006: 190). چون به موجب آن قدرت نامحدود دولت کنترل و ضابطه مند گردیده و مقامات اداری به حاکمیت قانون پایبند می شوند و اختیارات، عملکردها و صلاحیتشان در نهادهای اداری خاص تشریح می شود (هداوند، ۱۳۹۲: ۷۴). این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است و اصل برابری همه طبقات اجتماعی مقابل قوانین با این اصل ارتباط دارد. در واقع به موجب اصول گفته شده و همچنین اصل حاکمیت قانون هر گونه معافیت یا مصونیت قانونی مقامات و مسئولان حکومتی مردود است» (Allen, ر.ک. 2005: 199). بنابراین برخی از مسئولان و مدیران امور فرهنگی از طرف خود مجاز نخواهند بود مواردی را که مخالف هدف و حکم مقنن باشد به قانون اضافه کنند یا در مواردی چشم پوشی کنند (ویژه، ۱۳۹۰: ۲۸۰). با توجه به اصل ۸۶ قانون اساسی، استنباط می شود که

اگر قوه مقننه در اثر اعمال قانون‌گذاری خود یا میان اعلام نظرهای نمایندگان به اشخاصی ضرر فرهنگی و غیرفرهنگی وارد کرد، اشخاص حاضر در قوه مقننه (نمایندگان مجلس) مسئولیت ندارند و مجلس متشکل از نمایندگان نیز مسئولیت نخواهد داشت (ابوالحمد، ۱۳۷۱: ۲۸). در واقع اگر سخنان نمایندگان مجلس با وظایف نمایندگی آنها ارتباطی نداشته باشد، مشمول قواعد عمومی حاکم بر مردم (در داشتن مسئولیت‌مدنی) خواهند بود. نماینده، اگرچه حق دارد در مقام ایفای نمایندگی‌اش آزادی و مصونیت‌هایی داشته باشد، نمی‌تواند از حقوق خود سوءاستفاده کند و با ارتکاب خطاهای انضباطی و نقض آیین‌نامه‌های داخلی به نحو غیرمتعارف مسبب و مباشر ایراد خسارت‌های معنوی و فرهنگی شود. زیرا در این صورت دارای مسئولیت خواهد بود (رسولی جزئی، ۱۳۹۸: ۱۱۹)؛ خواه ناشی از وضع مقررات نامطلوب باشد خواه ناشی از عدم وضع مقررات و انجام ندادن پیش‌بینی‌های تقنینی لازم.^{۱۵}

۳-۲-۳. مسئولیت‌مدنی ناشی از امور اجرایی

مقصود از مسئولیت‌مدنی ناشی از امور اجرایی ضمانت برگرفته از ارتکاب هر گونه تقصیر و تعدی از انجام دادن وظایف قانونی و شرعی مسئولان و متولیان امور فرهنگی جامعه در حوزه‌های حاکمیتی و تصدیگری^{۱۶} هست که با فعل و ترک فعل خود مباشر تضییع حقوق فرهنگی و مسبب اشاعه فحشا، توهین به محترمان، تبدیل ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی به ضد آن، افزایش آسیب‌های اجتماعی و حقوقی، یا ایراد خسارت می‌شوند. تحقیقات صورت‌گرفته در خصوص ایفای تعهدات فرهنگی مسئولان اجرایی در ده سال اخیر نشان داده تعلق برخی از نهادها و اشخاص موجب ایراد خسارت‌های فاجعه‌آمیز یا جبران‌ناپذیر برای عموم مردم، به‌خصوص اقشار در معرض آسیب، شده است.^{۱۷} با وجود اینکه ضرورت اجرای تصمیمات مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تأکید علما و کارشناسان قرار گرفته است،^{۱۸} برخی مواقع مسئولان حکومتی مربوطه- شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نیروهای انتظامی و پاسداران ارزش‌های اسلامی، صداوسیما و مطبوعات، معاونت فرهنگی ادارات دولتی و غیردولتی نظیر شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی و مردمی، کانون‌های فرهنگی مساجد و پایگاه‌های بسیج- حقوق فرهنگی را در اثر فعل یا ترک فعل یا نادرست انجام دادن امور فرهنگی تضییع می‌کنند و به دلیل ایراد خسارات وارده مشمول ضمانت اجرای مسئولیت‌مدنی می‌شوند.^{۱۹}

۳-۳-۳. مسئولیت مدنی ناشی از سیاست‌گذاری و نظارت‌ها

مقصود از سیاست‌گذاری فرهنگی تدابیر و تصمیمات کلانی است که حاکمیت به معنای مجموع قوای سه‌گانه و دولت به معنی عام در مواجهه با یک مسئله و چالش فرهنگی اتخاذ می‌کند (قانع، ۱۳۹۶: ۴۱۹). در واقع نقص تصمیم‌ها و ضعف در اجرای برنامه‌ها و ناکارآمدی ارزیابی و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی به تضييع حقوق فرهنگی شهروندان منجر شده و چالش‌های مهمی ایجاد کرده است.^{۲۰} در کشور ایران، با وجود اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بزرگ‌ترین دستگاه دولتی و شورای عالی انقلاب فرهنگی عالی‌ترین مرکز سیاست‌گذاری حکومتی محسوب می‌شوند، نهادها و مراکز متعدد دیگری در بدنه حکومت به وجود آمده که به طور رسمی متولی توسعه فرهنگ عمومی می‌باشند و با بودجه‌های کلان مشغول فعالیت‌اند که اگرچه تاکنون اقدامات فرهنگی زیادی انجام داده‌اند، تأثیر چندانی بر بهبود یا ترویج ارزش‌های فرهنگ اسلامی نداشته‌اند (نیکومرام و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۰). البته در حوزه سیاست‌گذاری رعایت اصل آزادی و امنیت و عدالت ضروری است و مهم‌ترین حوزه آن فرهنگ دینی است (رکوعی، ۱۳۸۵). زیرا هنجارشکنی علنی، ترویج سبک زندگی غیراسلامی، کوچک‌شماری ارزش‌های دینی و ملی، عادی‌سازی ارتباط با نامحرم و عشوه‌گری، ترویج موسیقی‌های غیربومی، و غیره دستاورد برخی از آن‌ها بوده است؛ یعنی هر یک از نهادهای فرهنگی برای خود هدفی تعیین کرده‌اند و بدون تعامل با سایر سازمان‌ها سعی می‌کنند به‌تنهایی در حیطه امور فرهنگی انجام وظیفه کنند. اما باید گفت اگر تکالیف فرهنگی هر سازمان توسط مرکزیتی با همه اعضا تعیین و ابلاغ شود و مورد پیگیری و ارزیابی میزان موفقیت قرار گیرد، نه تنها حقوق فرهنگی تأمین خواهد شد، بلکه از بروز خسارت و مسئولیت مدنی ناشی از آن جلوگیری خواهد شد. در واقع یکی از عوامل موفقیت هر یک از آن سازمان‌ها داشتن هدف واحد و تعیین نقش و مسئولیت مدنی خسارات است.

۳-۳-۴. مسئولیت مدنی ناشی از امور قضایی

اقدامات قضایی قسم دیگری از امور حاکمیتی است و هرگاه در هر مرحله از رسیدگی‌های قضایی، به دلیل تقصیر یا اشتباه، ضرر معنوی و فرهنگی وارد آید یا در زمینه پیشگیری از وقوع جرم سهل‌انگاری شود مسئولیت مدنی حکم به اعاده حیثیت متهم یا جبران کامل خسارات وارده می‌کند. البته پیشگیری از رفتارهای مجرمانه فقط وظیفه قوه قضاییه نیست و سایر نهادهای دولتی و حتی غیردولتی در این موضوع باید مشارکت داده شوند (تقی‌پور، ۱۳۹۸). مفاد اصول ۱۵۶ و ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری هر یک اصل فوق را تشریح کرده‌اند.^{۲۱} اگر قوه

قضایه و سایر اشخاص مرتبط با آن، نظیر دادستان و رئیس دیوان عالی کشور و غیره، جهت پیشگیری از وقوع جرم، کاهش حجم پرونده‌ها، رفع اختلافات فرهنگی اشخاص مثل روابط نامشروع، قذف، فحاشی، کشف حجاب، و سایر اعمال خلاف عفت عمومی و اخلاق حسنه در ملاً عام به‌درستی امور فرهنگی لازم برای اصلاح متهمان و دفع و رفع خسارات مرتبط را انجام ندهند و از عهده تأمین حقوق فرهنگی و جلوگیری از ایراد خسارات جانی و مالی به اقشار آسیب‌پذیر و اموال عمومی برنیایند یا به موجب ترک فعل یا سهل‌انگاری در انجام وظایف مسبب ایراد خسارات مخرب‌تری شوند، دارای مسئولیت‌مدنی خواهند بود. البته مسئولیت‌مدنی ناشی از ترک فعل و جرم از جمله مسائلی است که منجر به آرای متناقض در شعب مختلف دیوان عالی کشور شده است. در این زمینه می‌توان به تناقض آرای شعبه ۳ دیوان عالی کشور و هیئت عمومی دیوان عالی، مورخ ۱۳۶۸/۰۹/۱۴، با رأی شماره ۱۰۴، مراجعه کرد.^{۲۲}

۴. مصادیق مسئولیت‌مدنی حکومت در امور فرهنگی

بخشی از قواعد عام مسئولیت‌مدنی ناشی از دخالت فعل زیان‌بار واحد است و بخشی از آن ناشی از دخالت چند فعل متعدد (عباسلو، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۸). در مسئولیت‌مدنی ناشی از دخالت عامل واحد، دولت به معنای عام به وظایف خود در امور فرهنگی جامعه اسلامی عمل نمی‌کند و اهتمام و توجه لازم را در انجام دادن وظایفش ندارد. اما در مسئولیت‌مدنی ناشی از دخالت عوامل متعدد، اقدامات دو یا چند نهاد دولتی به طور طولی یا عرضی سبب ورود ضررهای فرهنگی می‌شود. مثلاً اقدامات یا ترک فعل‌های کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت‌های فرهنگی شهرداری‌ها، آموزش و پرورش، وزارت علوم، و غیره گاهی به طور هم‌زمان یا عرضی و گاهی به صورت طولی مسبب و مباشر در ایراد خسارت‌ها محسوب می‌شوند. برای تعیین مسئولان اصلی در مرحله اول باید بحث تعدد مباشران و مسببان ایراد ضرر را از هم تفکیک کرد و به طور جداگانه احکام هر یک را معلوم ساخت.^{۲۳} مثلاً می‌توان به پرونده‌های شکایت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل توقیف یا ممانعت از اکران فیلم‌های سینمایی اشاره کرد که در ادامه به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود. آنچه مهم است این است که خلأهای تقنینی علاوه بر آنکه می‌توانند موجب ایراد خسارت به سازندگان فیلم‌ها و مخاطبان شوند می‌توانند به طرح دعوی مسئولیت‌مدنی مسئولان اجرایی و سردرگمی محاکم قضایی بینجامند.^{۲۴}

در خصوص نمونه آرای قضایی صادرشده در این بخش می‌توان به پرونده فیلم *سنتوری* و رأی شعبه ۳ دیوان عدالت اداری اشاره کرد که در نهایت، به موجب اصل مسئولیت‌مدنی

دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به پرداخت خسارت محکوم شد.^{۲۵} در واقع، به دنبال شکایت سازندگان فیلم **سنتوری** از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت سینمایی آن وزارتخانه مبنی بر درخواست لغو ممنوعیت اکران فیلم یادشده و تصدیق خسارات وارده، شعبه ۳ دیوان عدالت اداری جلوگیری از اکران فیلم **سنتوری** را در حدود اختیارات ناشی از ماده ۴ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم، اسلاید، ویدئو، و صدور پروانه نمایش - مصوب ۱۳۶۱ هیئت وزیران - دانست و اگرچه شکایت شکات در این مورد را رد کرد، تصدیق خسارات وارده به سازندگان فیلم در نتیجه ممانعت از اکران آن فیلم را موجه دانست و ضمن تصدیق خسارات وارده رأی به ورود شکایت در این خصوص را صادر و اعلام کرد. متن رأی صادره از سوی شعبه ۳ دیوان عدالت اداری بدین شرح است:^{۲۶} «وکلائی شکات در دادخواست تقدیمی خلاصتاً چنین عنوان داشته‌اند که 'موکلان با صرف منابع هنگفتی وام بانکی اقدام به تهیه فیلم **سنتوری** کرده‌اند. این فیلم، پس از بررسی‌های کارشناسانه، پروانه مالکیت تحت شماره ۱۵۴/۵۹۲۶۸ - ۸۶/۳/۷ دریافت کرده است. سپس در هیئت نظارت و ارزیابی متشکل از یک نفر روحانی آگاه و آشنا به مسائل هنری و سه نفر دارای بینش سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، و مذهبی مورد بررسی قرار گرفته و پس از رفع ایرادات جزئی تحت شماره ۵۴-۵۹/۱۵۴ مورخه ۸۶/۳/۷ موفق به کسب پروانه نمایش شده است و پیش‌تر نیز در جشنواره فیلم فجر با آمار ۹۶ درصد به عنوان بهترین فیلم تماشاگران انتخاب و آقای بهرام رادان، هنرپیشه نقش اول مرد این فیلم، به عنوان بهترین هنرپیشه نقش اول مرد، برنده سیمرغ بلورین شده است. با این وجود و درحالی‌که قرار بود این فیلم طبق برنامه اعلامی از طرف معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شرکت هدایت (پخش‌کننده فیلم) در تاریخ ۸۶/۵/۲ در ۴۵ سینمای کشور به نمایش درآید و در این اثنا مبالغ زیادی برای تبلیغ فیلم هزینه شد، ناگاه چند روز قبل از آن به دستور شخصی به نام محمدرضا جعفری‌جلوه (معاونت سینمایی) از نمایش فیلم جلوگیری به عمل آمد.' وکلای شکات در پایان با این ادعا که 'اقدام وزارت ارشاد خلاف قانون است' به طور خلاصه خواهان لغو دستور منع نمایش فیلم (**سنتوری**) و تصدیق خسارت‌های ناشی از اقدام مذکور به موکلان خود شده‌اند. مفاد لایحه دفاعیه مشتکی‌عنه مبنی بر این است که با توجه به تبعات ناخوشایندی که قبلاً در اثر نمایش یکی از فیلم‌ها در جامعه ایجاد شده بود این معاونت، به عنوان اقدام پیشگیرانه، خواستار شکیبایی و همراهی تهیه‌کننده و کارگردان فیلم **سنتوری** و تعویق نمایش آن شد. ولی متأسفانه اقدامات در این خصوص مؤثر واقع نشد و تهیه‌کنندگان فیلم، بدون مجوز، مبادرت به نمایش آن در خارج از کشور کردند و

در نتیجه تحمیل فضای ملت اکران فیلم را غیرممکن ساخت. بنابراین، به استناد ماده ۴ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم، اسلاید، ویدئو، و صدور پروانه نمایش- مصوب هیئت وزیران- که اجازه می‌دهد بنا به ضرورت‌های سیاسی و فرهنگی از نمایش فیلمی که دارای پروانه نمایش است جلوگیری شود تا پس از رفع موانع (در صورت امکان) مجدداً اجازه نمایش داده شود، از اکران فیلم مذکور جلوگیری به عمل آمده است. توجهاً به مراتب فوق و سایر محتویات پرونده اولاً در خصوص خواسته اول شکات، مبنی بر لغو ممنوعیت اکران فیلم **ستوری**، نظر به اینکه بر طبق ماده ۴ از آیین‌نامه فوق‌الذکر اقدام مشتکی‌عنه در جلوگیری از اکران فیلم **ستوری** در حدود اختیارات ناشی از ماده ۴ موصوف بوده و مغایر موازین و مقررات موضوعه به نظر نمی‌رسد، بنابراین، رأی به رد شکایت در این خصوص صادر و اعلام می‌شود. در خصوص بخش دیگر شکایت شکات در مورد تصدیق خسارت، نظر به اینکه بر اساس اوراق و محتویات پرونده و مضمون جوابیه ارسالی از سوی مشتکی‌عنه برای تهیه فیلم مورد بحث مبالغ زیادی از سوی شکات هزینه شده است تا موفق به دریافت پروانه مالکیت و پروانه نمایش شده‌اند و در نتیجه بر اثر اقدام معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ممانعت از اکران فیلم **ستوری**، که نمایش آن وسیله درآمد و کسب سود شکات بوده است، موجب ورود خسارت به آنان شده است. بنابراین شکایت شکات در حد تصدیق خسارت به آنان در نتیجه ممانعت از اکران فیلم **ستوری** موجه تشخیص داده شده و مستنداً به تبصره ۱ ذیل ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری رأی به ورود آن صادر و اعلام می‌شود. این رأی بر طبق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۸۵ قطعی است.^{۳۷} آنچه با مطالعه این پرونده می‌توان گفت این است که قانون‌گذار باید در زمینه ممیزی فیلم‌ها و سایر رسانه‌ها به طور مشخص و به نام یک قانون مصوب مقرره‌گذاری‌های لازم را به عمل آورد تا از اعمال سلیقه‌های شخصی و ایراد خسارات مالی و معنوی ناشی از آن جلوگیری شود. همچنین می‌توان، پس از تدوین چنین قانونی، نظارت بر آثار ممیزی را به صنوف واگذار کرد و همان‌گونه که صنوف دیگر، نظیر خیاطان و نجاران و ناویان، بر کیفیت و کمیت و تخلفات اعضایشان نظارت و با متخلفان برخورد می‌کنند، ممیزی فیلم‌ها را نیز به شورایی متشکل از نمایندگان کارگردان‌ها، تهیه‌کننده‌ها، فیلم‌برداران، بازیگران، جامعه‌شناسان، و روان‌شناسان اجتماعی واگذار کرد که با قانون ممیزی تطبیق داده شود و از این پس ممیزی‌ها جنبه دولتی نداشته باشد تا اگر اثری نیز واجد اشکال بود متوجه دولت نشود و اصناف سینمایی راساً پاسخگو باشند. بی‌تردید این شیوه عمل بازخورد بسیار بهتر و دقیق‌تری خواهد داشت که به انصاف نیز نزدیک‌تر است.

نتیجه‌گیری

دین اسلام به دفاع از حقوق فرهنگی انسان‌ها برخاسته است و قانون‌گذار کشور ما نیز به پیروی از این دین در متون متعدد شرعی، همچون اصول ۳ و ۱۵۶ قانون اساسی، حکومت را مکلف به تأمین حقوق فرهنگی و مقابله با زیان‌های ناشی از آن کرده است و در صورت ارتکاب اعمال ضد فرهنگی ضمان آن را متوجه دولت دانسته است. امروزه، به دلیل عدم توجه کافی و لازم از سوی مسئولان حکومتی در سطح تقنینی و اجرایی و قضایی در زمینه امور فرهنگی جامعه، همچنان چالش‌ها و مسائل حل‌نشده‌ای در خصوص شرایط تحقق مسئولیت‌مدنی دولت در امور مهم فرهنگی باقی است. ماده ۱۱ قانون مسئولیت‌مدنی، که پیش از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است، بدون هیچ تقسیمی مطلق اقدامات حاکمیتی دولت را از مسئولیت و ضمان اقدامات زیان‌بارش معاف کرده و باعث شده دولت در قبال اعمال خود در ساحت فرهنگ و هنر احساس مسئولیت نکند و کمتر پاسخگو باشد. این در حالی است که قواعد فقهی لاضرر و اصول حقوق اداری و حکمرانی شایسته، از قبیل مسئولیت‌پذیری و لزوم پاسخگویی، بیانگر این نکته است که اهمیت بالا و ویژگی‌های خاص حقوق فرهنگی ایجاب می‌کند خسارات ناشی از آن توسط نهادهای حاکمیتی نباید بدون جبران باقی بماند و دولت نیز از این قاعده مستثنی نیست. به نظر می‌رسد معیار تعیین زیان‌های فرهنگی موقوف به نظر عرف جامعه است و قواعد مسقط ضمان، مثل احسان و نفی ضمان امین، نیز به طور مطلق نمی‌توانند قواعد ثبوت ضمان در امور فرهنگی را اسقاط کنند و لازم است بین امور حاکمیتی دولت تفکیک قائل شد و در برخی امور حاکمیتی دولت را مکلف به جبران خسارات دانست. شرایط تحقق آن شامل ارکان اساسی مسئولیت‌مدنی است که برای احراز آسان‌تر رابطه سببیت نیز بهتر است بین اشکال مختلف مسئولیت دولت در امور فرهنگی، اعم از تعدد اسباب و مباشران، تفکیک قائل شد و برای فروض مختلف احکام جداگانه‌ای در نظر گرفت. مثلاً در فرض تعدد مباشران، تفکیک قائل شد و برای فروض مختلف احکام جداگانه‌ای در نظر گرفت. مثلاً در فرض تعدد مباشران، که چند نهاد فرهنگی با همکاری یک‌دیگر در برپایی یک اقدام زیان‌بار به طور مستقیم نقش داشته و در عرض یک‌دیگر قرار گرفته‌اند، عمل ضرری ضد فرهنگی منسوب به همه آن‌ها باشد و همه آن مباشران (نهادهای اشخاص، مسئولان مربوط به امور فرهنگی) فاعل فعل زیان تلقی شوند و ضمان به نسبت تساوی بین آن‌ها تقسیم شود.

یادداشت‌ها

1. government

۲. فرهنگ عمومی بر ارزش‌ها، گرایش‌ها، الگوهای رفتاری، و الگوی زندگی آحاد جامعه تأکید می‌کند و در مقایسه با فرهنگ ملی پایداری کمتری دارد. فرهنگ عمومی تا حدود زیادی تابع مقتضیات زمانی و مکانی جامعه و منعکس‌کننده عملکرد سایر نظام‌ها- همچون نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، حقوقی، و ... است (نقشه جامع مهندسی کشور، ۱۳۹۳: ۲).

۳. ← غمامی، ۱۳۸۴.

۴. بسیاری از حق‌ها و آزادی‌های انسانی زیرمجموعه حقوق فرهنگی قرار می‌گیرد و اکثر مصادیق آن مبنای حقوق بشر است. برخی از آن‌ها شامل اقامه نماز و ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه، موعظه و ارشاد و تبلیغ، علم‌آموزی، مبارزه با سنت‌های جاهلی، قاطعیت در اجرای دستورات شرعی، شایسته‌سالاری می‌شود (← زنجانی و حیدرنژاد، ۱۳۹۸). (برای درک بهتر معنا و مفهوم حقوق فرهنگی (صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۴)، «حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۲، ۷۷-۱۰۳)

۵. از سنجش عملکرد بعضی از مسئولان حکومتی جمهوری اسلامی معلوم می‌شود نه تنها جوانان را از انحرافات دینی و معنوی جامعه حفظ نکرده و حقوق فرهنگی را تأمین نکرده‌اند، بلکه خود با برگزاری جشن‌هایی (مثل جشنی که معاونت فرهنگی شهرداری تهران در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۲ در سالن ایوان شمس شهرداری تهران برگزار کرد) حقوق فرهنگی افراد را تضییع کرده‌اند.

۶. برای مطالعه بیشتر امامی، ۱۳۶۴: ۳۹۶؛ بهرامی احمدی، ۱۳۷۷: ۶۰؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۳۲؛ پورامینی، ۱۳۸۳: ۴۶.

۷. این اصل یکی از مبانی حقوق اداری در قانون اساسی و فلسفه وجودی حکومت محسوب می‌شود، شامل فعالیت‌های عام‌المنفعه اعم از فرهنگی و غیرفرهنگی، و از طریق نهادهای عمومی یا نهادهای خصوصی زیر نظر اشخاص عمومی اعمال می‌شود (رضایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). در متون شرعی نظیر سوره اعراف: ۱۰، سوره یوسف: ۵۶، سوره جمعه: ۲، و نامه ۵۳ و خطبه ۴۰ نهج البلاغه، و اصول ۳ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۴۰ قانون اساسی نیز بدان تصریح شده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۷-۱۶۰)

8. good governance

۹. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معافیت ضمان در قبال اقدامات زیان‌بار خود صرف‌نظر از انواع آسیب‌ها و پیامدهای خاص امور فرهنگی؛ مجوز تأخیر اجرای احکام قضایی و ممنوعیت توقیف اموال دولتی؛ موضوع ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵؛ موضوع قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱؛ مجوز تملکات قهری دولت؛ موضوع لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی، و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸؛ معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ (← واعظی و

همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸ - ۲۲).

۱۰. وقتی که اجرای قاعده عادلانه نتایج نامطلوب و به مراتب مخرب‌تری داشته باشد و وجدان اخلاقی تشخیص دهد اجرای قاعده‌ای فراتر از آن لازم است، به این دو اصل می‌توان عمل کرد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۱).
۱۱. نمونه این بحث را می‌توان در ماده ۸ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مصوب ۱۳۷۰، مشاهده کرد. زیرا این سازمان مکلف شده محصولات و کالاهای فرهنگی قاچاقی، که به موجب سایر قوانین و احکام قطعی مراجع قضایی و شبه‌قضایی به تملک یا تصرف دولت درآمده، را حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تحویل به فروش رساند یا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل دهد (زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۰)؛ در غیر این صورت ضامن خسارات وارده خواهد بود.
۱۲. مرتبط‌ترین اصول حکمرانی شایسته با تأمین حقوق فرهنگی و ضمان ناشی از تضييع آن شامل اصول ارائه خدمات عمومی، شفافیت عملکرد، سرعت و استمرار، دقت، قانونی بودن، امانت‌داری، و مسئولیت‌پذیری است. (برای اطلاعات بیشتر ← هداوند و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹؛ درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷)
۱۳. مثلاً برخی از کارکنان نیروی انتظامی حاضر در خیابان چهارباغ استان اصفهان، مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۶، در برخورد با مظاهر و نمادهای فساد علنی، بدحجابی، اشاعه فحشا، نقض عفت عمومی، و هتک حرمت شهادت امام جعفر صادق^(ع) بی‌اعتنا بودند و مسئولیت خود را انجام ندادند.
۱۴. یعنی اصول ۲۰، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۳۸، ۱۶۶، ۱۶۹ قانون اساسی.
۱۵. ← ارژنگ و همکاران، ۱۳۹۸.
۱۶. ← رسولی جزی، ۱۳۹۸: ۱۲۴.
۱۷. یزدانیان، ۱۳۹۶: ۳۶۳ - ۳۸۱.
۱۸. سخنان فرهنگی مقام معظم رهبری به تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۰۴ و ۱۳۸۱/۰۹/۲۶.
۱۹. بند ۱۱ ماده ۲ و ماده ۳ و ماده ۱۳ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص حقوق شهروندی در نظام اداری مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۰۹.
۲۰. صالح‌اولیاء، محمد؛ بهجت، محسن؛ مدرسی، سید ناصر (۱۳۸۴)، طرح تدوین مبانی ارزیابی عملکرد سازمان‌های فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی.
۲۱. ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی: «هر گونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد، موجب مسئولیت کیفری و مدنی است».
۲۲. شریعتی، الهام؛ موسوی، سیده لیلا (۱۳۹۳)، فقه پویا، مجموعه آراء و نظریات آیت‌الله سید محمدحسن مرعشی نجفی، تهران: خرسندی، ج ۱، ۲۷۴ - ۲۸۷.
۲۳. ← رسولی جزی، ۱۳۹۸.

۲۴. نقص و ابهامات بند ۱۴ ماده ۳ و ماده ۴ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آن‌ها، مصوب ۱۳۸۲/۰۵/۱۹ هیئت وزیران، منجر به استعلام مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۳ دیوان عدالت اداری مبنی بر ادعای خلاف شرع بودن بند ۱۴ ماده ۳ و ماده ۴ آیین‌نامه مذکور از شورای نگهبان شده که در نهایت به موجب نامه شماره ۹۶/۱۰۲/۱۹۳۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ شورای نگهبان بندهای مذکور آیین‌نامه موافق موازین شرع دانسته شده است.

۲۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد مبانی و ارکان مسئولیت‌مدنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ← امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۹، بخش سوم.

۲۶. گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا به نشانی: <https://www.isna.ir/news/۸۷۰۴-۱۳۳۴۶>.

۲۷. در خصوص اطلاع از میزان محکومیت وزارت فرهنگ و ارشاد به عنوان مسئولیت‌مدنی ← گزارش خبرگزاری تابناک، مورخ ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۲، به نشانی: <https://www.tabnak.ir/fa/news/۳۸۳۲۰۷>.





منابع

الف) کتاب‌ها

- ابوالحمد، ع. (۱۳۷۱). مسئولیت مدنی دولت. تهران: دانشگاه تهران.
- امامی، ح. (۱۳۶۴). حقوق مدنی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- امامی، م. و استوارسنگری، ک. (۱۳۸۹). حقوق اداری. تهران: میزان.
- انوری، ح. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- بابایی، ا. (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد. تهران: میزان.
- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۷۷). سوءاستفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی. تهران: اطلاعات.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۹۱). مجموعه محشأ قانون مدنی. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- داوری، م. (۱۳۸۹). حقوق فرهنگی شهروندان رویکرد اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- زرگوش، م. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت. تهران: میزان.
- عباس‌لو، ب. (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی ناشی از سوانح رانندگی. تهران: میزان.
- عباسی، ب. (۱۳۸۹). حقوق اداری، تهران: دادگستر.
- غمامی، م. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود. تهران: دادگستر.
- قاسم‌زاده، م. (۱۳۸۹). الزام‌های مسئولیت مدنی بدون قرارداد. تهران: میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ا. (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
- قانع، ا. (۱۳۹۶). گفتارهایی در فقه فرهنگ و ارتباطات. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). الزامات خارج از قرارداد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لطفی، ا. (۱۳۹۳). سلسله مباحث فقهی حقوقی مسئولیت مدنی. تهران: جاودانه.
- محقق داماد، م. (۱۳۹۱). قواعد فقه بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرتضوی، ض. (۱۳۹۶). ماهیت فقهی دولت و ضمان اقدام‌های زیان‌بار آن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



معینی، ص. (۱۳۷۰). فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان. تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.

موسوی خمینی، ر. (۱۳۹۷ق). کتاب البیع. نجف: مطبعة الآداب.

میدری، ا. و خیرخواهان، ج. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نقیبی، ا. (۱۳۸۶). خسارت معنوی در حقوق اسلام ایران و نظام‌های حقوقی معاصر. تهران: امیرکبیر.

ویژه، م. (۱۳۹۰). مبانی ساختار دولت حقوقی. تهران: جنگل.

هداوند، م. و مشهدی، ع. (۱۳۸۹). اصول حقوق اداری در پرتو آرای دیوان عدالت اداری. تهران: خرسندی.

بجنوردی، ح. (۱۳۷۱). القواعد الفقهیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امیرالمؤمنین.

موسوی خوئی، ا. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج. بغداد: جامعه بغداد.

نجفی، م. (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، ا. (۱۳۷۵). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

ب) پایان‌نامه‌ها

رسولی جزئی، س. (۱۳۹۸). مسئولیت‌مدنی حکومت در امور فرهنگی. استاد راهنما: سید مصطفی میرمحمدی میبدی. میبد: دانشگاه میبد.

زارع، م. (۱۳۹۶). نقد کارکردهای تنظیمی دولت در تنظیم بازار با تأکید بر اموال تملیکی. استاد راهنما: بابک باصری. مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

عسکری فرسنگی، م. (۱۳۹۱). مسئولیت دولت در قبال حقوق فرهنگی شهروندان. استاد راهنما: محمدجواد جاوید. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

میرمحمدصادقی، م. (۱۳۸۷). چالش‌های حقوق فرهنگی. استاد راهنما: امیر نیک‌پی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

یزدانیان، ع. (۱۳۸۲). اصول مسئولیت مدنی. استاد راهنما: مهدی شهیدی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ج) مقالات

احمدی، ح. و ذکایان، پ. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی خسارات عدم نفع در فقه امامیه و قوانین ایران و کنوانسیون ۱۹۸۰ وین». نشریه پژوهشگاه فقه و حقوق اسلامی، ۹(۳۲)، ۱۱-۲۶.

ارژنگ، ا. و رسولی جزی، س. (۱۳۹۸). «مبانی شرعی مسئولیت مدنی دولت در امور فرهنگی». مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۰(۱۹)، ۱-۲۹.

اسماعیلی، م. و امینی پژوه، ح. (۱۳۹۵). «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۵(۱۴)، ۶۹-۹۴.

آقایی طوق، م. (۱۳۹۸). «تحلیلی تاریخی بر دوگانگی فرایند رسیدگی به دعاوی مسئولیت به طرفیت دولت در حقوق ایران». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۲)، ۲۴۴-۲۶۵.

پورامینی، م. (۱۳۸۳). «بررسی عدم نفع در فقه و حقوق موضوعه». ماهنامه دادرسی، ۸(۴۶)، ۷۶-۸۰.

تقی‌پور، ع. (۱۳۹۸). «پیشگیری غیرکیفری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۸(۲۴)، ۱-۱۸.

حبیبی درگاه، ب. (۱۳۹۵). «چالش‌های حمایت حقوقی از نمودهای فرهنگ عامه در ایران و راهکارهای آن». دوفصلنامه حقوق اداری، ۳(۱۱)، ۶۱-۷۵.

رستمی، و. و رشیدی، ر. (۱۳۹۶). «نقد و تحلیل نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی». فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۲(۴)، ۱۵۷-۱۸۶.

رضایی زاده، م. و کاظمی، د. (۱۳۹۱). «بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۳(۵)، ۲۳-۴۶.

- رکوعی، ا. (۱۳۸۵). «تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر فرهنگ کشور». مهندسی فرهنگی، (۲)، قابل دسترسی در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- زارعی، س. (۱۳۹۴). «بررسی انطباقی نظریه مردم‌سالاری دینی و دموکراسی». مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۶(۴)، ۲۹ - ۵۰.
- زرگوش، م. و امیرارجمند، ا. (۱۳۸۸). «تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی دولت، مطالعه تحلیلی تطبیقی». تحقیقات حقوقی، ۱۲(۴۹)، ۸۵ - ۱۴۳.
- زنجانی، م. و حیدرنژاد، و. (۱۳۹۸). «حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذ بن جبل با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱(۲۳)، ۴۳ - ۶۲.
- درخشه، ج. و موسوی‌نیا، م. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)». پژوهش‌های علم و دین، ۹(۱)، ۱ - ۲۸.
- صفاری‌نیا، م. (۱۳۹۴). «حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حرکت کم‌شتاب در بستر پرتلاطم». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰(۲)، ۷۷ - ۱۰۳.
- علیشاهی قلعه‌جوقی، ا. و دانش‌نهاد، م. (۱۳۹۶). «مبانی قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت». فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، ۳(۱)، ۶۵ - ۹۷.
- غمامی، م. (۱۳۸۴). «ضرر جبران‌پذیر از دیدگاه رویه قضایی». مطالعات حقوق خصوصی، ۳۵(۷۰)، ۲۶۱ - ۲۷۶.
- فهیمی، ع. (۱۳۹۶). «ضرر در خسارت‌های زیست‌محیطی بحث تطبیقی در فقه و حقوق ایران و فرانسه و اسناد بین‌المللی». نشریه حقوق تطبیقی، ۴(۱)، ۱۱۲ - ۱۲۷.
- فاضلی‌نژاد، ج. و شفیعی‌سردشت، ج. (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی نقش دیوان محاسبات کشور در تحقق پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۰(۳۳)، ۳۳ - ۵۶.
- فیض، ع. (۱۳۸۵). «عرف عقلا». فصلنامه برهان و عرفان، ۷(۷)، ۱۰۷-۱۲۱.
- مرتضوی، ض. (۱۳۹۵). «سازگار ساختن دولت با جبران خسارت، گامی در استوارسازی عدالت». نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ۱۹(۷۶)، ۱۲۳ - ۱۵۰.
- مظاهری، م. و آل‌اسحق خوئینی، ز. (۱۳۹۱). «قاعده فقهی - حقوقی انصاف». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱(۲۷)، ۱۳۵ - ۱۶۴.

- مظهر قراملکی، ع. و نظری توکلی، س. و قدرتی، ف. (۱۳۹۳). «معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران». *مجله فقه اسلامی*، ۵(۹)، ۱۶۱ - ۱۹۰.
- میرمحمدی میبدی، م. (۱۳۹۲). «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت، و مجمع تشخیص مصلحت نظام». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۴(۱)، ۱۵۵ - ۱۷۹.
- نوری، ع. و بزرگ‌مهر، د. (۱۳۹۷). «جایگاه عرف در مسیولیت مدنی». *کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی*. خوی: <https://civilica.com/doc/823326>
- نیک‌فرجام، ز. (۱۳۹۲). «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق». *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۱۱(۱)، ۱۰۵ - ۱۲۷.
- نیکومرام، ه. و حداد، م. (۱۳۸۶). «بررسی اهداف و وظایف نهادهای رسمی فرهنگی در ایران و ارائه راهکار هماهنگ‌سازی این نهادها». *مجله مدیریت فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۰۷ - ۱۲۸.
- واعظی، م. و البرزی، ز. (۱۳۹۶). «جایگاه مفهوم خدمات عمومی در حقوق اداری ایران». *دوفصلنامه حقوق اداری*، ۴(۱۲)، ۹ - ۳۱.
- واثق، ق. و حسینی‌تاش، ع. (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)». *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۲(۸)، ۷ - ۲۸.
- هداوند، م. و کاظمی، د. (۱۳۹۲). «تأملی بر اصول مدرن حقوق اداری در قانون مدیریت خدمات کشوری، تحلیل ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری». *فصلنامه راهبرد*، ۲۲(۶۷)، ۶۳ - ۹۳.

References

A) Books

- Alen, M., & Thompson, B. (2005). *Cases Materials on Constitutional and Administrative Law*. England: Oxford University press.
- Abbas Lo, B. (2014). *Civil liability due to driving accidents*. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Abbasi, B. (2010). *Administrative Law*. Tehran: Justice Court.
- Abolhamad, A. (1992). *Civil responsibility of the government*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Anvari, H. (2002). *Farhang Bozor Sokhn*. Tehran: Sokhn Publications. (In Persian)
- Babaei, I. (2014). *Civil liability rights and non-contractual requirements*. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Bahrani Ahmadi, H. (1998). *abuse of right a comparative study in Islamic law and other legal systems*. Tehran: information publications. (In Persian)
- Bojnordi, H. (1992). *Rules of Jurisprudence*. Qom: Ismailian Institute. (in Arabic)
- Davari, M. (2009). *Cultural Rights of Citizens in Islamic Approach*. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Emami, M., & ostovar Sangri, K. (2009). *Administrative Law*. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Emami, H. (1985). *Civil Rights*. Tehran: Islamia bookstore. (In Persian)
- Ghamami, M. (1997). *Civil responsibility of the government towards the actions of its employees*. Tehran: Dadgostar Publishing House.
- Hadavand, M., & Mashhadi, A. (2010). *principles of administrative law in the light of the decisions of the Administrative Court*. Tehran: Khorsandi. (In Persian)
- Jafari Langroudi, M. (2012). *Mohasha Civil Law Collection*. Tehran: Ganj Danesh Library Publications. (In Persian)
- ghaze Shariat Panahi, A. (2020). *Fundamental rights requirements*. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Katouzian, N. (2011). *requirements outside the contract*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Lotfi, A. (2014). *series of jurisprudential discussions on civil liability*. Tehran: Javadane Publications. (In Persian)
- Makarem Shirazi, N. (1990). *Jurisprudence Rules*, Qom: Amir al-Momenin School. (in Arabic)
- Midari, A., & Khairkahan, J. (2003). *Good governance*. Tehran: Research

- Center of Islamic Council. (In Persian)
- Mohaghig Damad, M. (2011). *Civil Jurisprudence Rules*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (In Persian)
- Moini, S. (1991). *Glossary of management and organization terms and terms*. Tehran: Publications of the Ministry of Jihad Agriculture. (In Persian)
- Mortazavi, Z. (2016). *The Jurisprudential Nature of the State and the Guarantee of its Harmful Actions*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Mousavi Khoi, A. (2001). *Basics of Takmal al-Manhaj*. Baghdad: Baghdad society. (in Arabic)
- Mousavi Khomeini, R. (2018). *Kitab al-Bay*. Najaf: Al-Adab Press. (In Persian)
- Najafi, M. (1995). *Javaher al-Kalam fi Sharh Shariah al-Islam*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya publication. (in Arabic)
- Naqeibi, A. (2006). *moral damage in Islamic law Iran and contemporary legal systems*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Naraghi, A. (1996). *Awaed al-Ayayam fi Bayan Qavaed al-Ahkam*. Qom: Al-Nashar al-Taab Publishing Center of Al-Alam al-Islami School. (in Arabic)
- Qaneh, A. (2016). *discourses in the jurisprudence of culture and communication*. Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Qasimzadeh, M. (2009). *requirements of civil liability without contract*. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Vijeh, M. (2013). *The Basics of Legal State Structure*. Tehran: Jangal. (In Persian)
- Zargosh, M. (2009). *Civil responsibility of the government*. Tehran: Mizan. (In Persian)

B) Student theses

- Askari Farsangi, M. (2011). *Government's responsibility towards citizens cultural rights*. supervisor: Mohammad Javad Javed. Tehran: Islamic Azad University. (In Persian)
- Mir Mohammad Sadeghi, M. (2018). *Cultural Law Challenges*. Supervisor: Amir Nikpi, Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Rasouli Jazi, S. (2018). *Civil responsibility of the government in cultural affairs*. supervisor: Mostafa Mir Mohamadi Meybodi. Meybod: Meybod University. (In Persian)
- Yazdani, A. (2003). *Principles of Civil Responsibility*. Supervisor: Mehdi Shahidi. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)

Zare, M. (2016). *Criticism of the regulatory functions of the government in regulating the market with an emphasis on ownership*. supervisor: Babak Baseri. Maroodasht: Islamic Azad University. (In Persian) ▶

C) Articles

Aghaei-Touq, M. (2018). a historical analysis on the duality of the process of dealing with claims of responsibility towards the government in Iranian law. *Public Law Research Quarterl*, 21(62), 244- 265 (In Persian)

Ahmadi, H., Zakaiyan, P. (2013). comparative study of loss of benefit in Imamiyyah jurisprudence and Iranian laws and 1980 Vienna Convention. *Islamic Jurisprudence and Law Research Institute*. 9(32), 26-11. (In Persian)

Alishahi Qalajoqi, A., Daneshnahad, M. (2017). The Basics of the Rule of Contingency in the Civil Liability of Individuals and the State. *Jurisprudential and Usuli Essays Quarterly*. 3(1), 65-97. (In Persian)

arzhang, A., Rasouli Jazi, S. (2018). Sharia foundations of the government's civil responsibility in cultural affairs. *Contemporary Comparative Law Studies*. 10 (19), 1-29. (In Persian)

Derakhsha, J., Mousavinia, M. (2017). the components of good governance in the government history of the Prophet of Islam (PBUH). *Science and Religion Research*. 9(1), 1-28. (In Persian)

Esmaili, M., Amini Pazooh, H. (2016). Analysis of the nature and legal system governing government obligations in the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Knowledge of Public Law Quarterly*. 5(14), 69-94. (In Persian)

Fahimi, A. (2016). harm in environmental damages, a comparative discussion in Iranian and French jurisprudence and international documents. *Comparative Law Journal*. 4(1), 112-127. (In Persian)

Faize, A. (2006). Orf Oqhala 2. *Burhan and Irfan Quarterly*, No. 7, 107-121. (In Persian)

Fazelinejad, J., Shafiei Sardasht, J. (2021). pathology of the role of the Court of Accounts in realizing accountability and the rule of law. *Knowledge Quarterly of Public Law*, 10(33), 33-56. (In Persian)

Ghamami, M. (2004). Compensable loss from the perspective of judicial procedure. *Private Law Studies*. 35(70), 276-261. (In Persian)

Habibi Dargah, B. (2016). challenges of legal protection of public culture manifestations in Iran and its solutions. *two quarterly administrative law journals*. 3(11), 61-75. (In Persian) ◀

-
- Hadavand, M., Kazemi, D. (2013). a reflection on the modern principles of administrative law in the Civil Service Management Law, analysis of Article 90 of the Civil Service Management Law. *Strategy Quarterly*. 22(67), 63-93. (In Persian)
- Harlow, C. (2006). Global Administrative Law: The Quest for Principles and Values. *European Journal of International Law*. 17(1),187-214.
- Ivan, F. (2008). Transparency as a Global Goal: Towards an Unity of Principles in Global Administrative, *www.irpa.eu*.
- Mazaheri, M., Al-Ishaq Khoeini, Z. (2013). the jurisprudential-legal rule of insaf. *Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*. 8(27), 135-164. (In Persian)
- Mazhar Qara Maleki, A., Nazari Tavakoli, S., Ghudarati, F. (2014). Semantics of Spiritual Right in the Legal Discourse of Islam and Iran. *Journal of Islamic Jurisprudence*. 5(9),161-190. (In Persian)
- Mirmohamadi Meybodi, M. (2013). review of the interference of the Supreme Council of Cultural Revolution with the resolutions of the Islamic Council, the government and the Expediency Council. *Islamic Law Research Journal*. 14(1), 179-155. (In Persian)
- Mortazavi, Z. (2015). Making the government compatible with compensation is a step in strengthening justice, *Bagheral Uloom University Political Science Journal*. 19(76), 150-123. (In Persian)
- Nik Farjam, Z. (2013). compensation for moral damage in jurisprudence and law, *Islamic jurisprudence and jurisprudence journal of Azad University*, 6 (11),105-127. (In Persian)
- Niko Maram, H., Haddad, M. (2006). Studying the goals and duties of official cultural institutions in Iran and providing a solution for harmonizing these symbols. *Journal of Cultural Management*, 1(1), 107-128. (In Persian)
- Nouri, A., Bozorgmehr, D. (2017). the place of custom in civil responsibility. *National Conference on New World Achievements in Education, Psychology, Law and Cultural-Social Studies*. Khoi. <https://civilica.com/doc/823326>.(In Persian)
- Pouramini, M. (2004). Investigation of lack of interest in jurisprudence and subject law. *Judicial Monthly*. 8 (46), 76-80. (In Persian)
- Rakuei, I. (2006). Determining the impact of government agencies on the country's culture. *Cultural Engineering*. No. 2. available on the website of the Supreme Council of Cultural Revolution. articles section. (In Persian)
- Rezaeizadeh, M., Kazemi, D. (2013). Recognizing the theory of "public services" and its governing principles in the Constitution of the Islamic
- ◀

- Republic of Iran. *Contemporary Comparative Law Studies*. 3(5), 23-46. (In Persian)
- Rostami, V., Rashidi, R. (2016). Criticism and analysis of the theory of public services and the principles governing it based on Islamic teachings, Scientific. *Research Quarterly of Islamic Government*. 22(4), 186-157. (In Persian)
- Safari Nia, M. (2014). Cultural rights in the international human rights system slow movement in a turbulent environment. *comparative law researches*. 20(2), 77-103. (In Persian)
- Taghipour, A. (2018). non-criminal prevention of crime in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Knowledge Quarterly of Public Law*, 8(24), 1-18. (In Persian)
- Vaezi, M., Alborzi, Z. (2016). the position of the concept of public services in Iranian administrative law. *two quarterly administrative law*. 4(12), 9-31. (In Persian)
- Vasheq, Q., Hosseini Tash, A. (2013). good governance and presentation of worthy governance, investigation and indicators of these two from the perspective of Amirul Momineen Ali (AS). *Islam and management researches*, 3(2), 7-28. (In Persian)
- Zanjani, M., Heydar Nejad, V. (2018). Cultural rights in the government decree of the Prophet to Moaz bin Jabal Bangahi to the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Danesh Public Law Quarterly*. 8(23), 43-62. (In Persian)
- Zarei, S. (2014). an adaptive review of the theory of religious democracy and democracy. *Strategic Studies of the Islamic World*, 16(4), 29-50. (In Persian)
- Zargosh, M., Amir Arjamand, A. (2008). fault in civil liability rights of the government; A comparative analytical study. *Journal of Legal Research*. 12(49), 143-85. (In Persian)

